تازه‌های اقتصاد
شنبه ۲۳ خرداد ۱۴۰۵ شماره ۵۴

جنگ با اقتصاد کشورهای حاشیه خلیج فارس چه کرد؟

گزارش‌ها نشان می‌دهد که با گذشت سه ماه از حملات آمریکا و اسرائیل به ایران که به بسته شدن تنگه هرمز انجامید، اقتصاد کشورهای حوزه خلیج فارس آسیب دیده است به طوری که برخی کشورها وارد رکود عمیق شده‌اند و اندازه اقتصاد منطقه نسبت به مسیر پیش‌بینی‌شده پیش از جنگ، به طور محسوسی کوچک‌تر شده است.

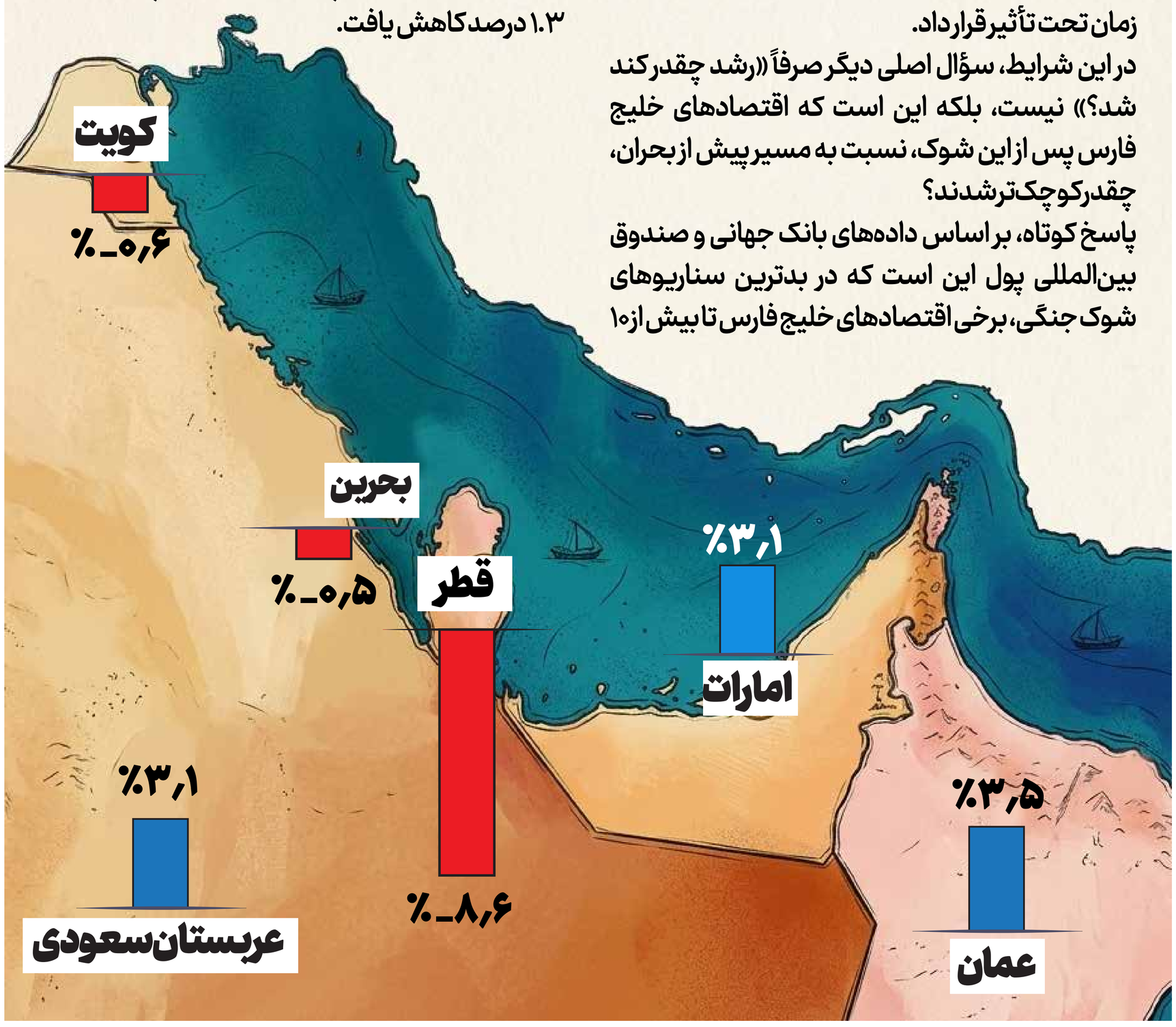
اقتصاد اعضای شورای همکاری خلیج فارس (GCC) سال‌هاست بر سه ستون اصلی استوار بوده است: نفت و گاز، تجارت دریایی و سرمایه‌گذاری خارجی. اما جنگی که در اوایل سال ۲۰۲۶ شعله‌ور شد، این سه ستون را هم زمان تحت تأثیر قرار داد.

در این شرایط، سؤال اصلی دیگر صرفاً «رشد چقدر کند شد؟» نیست، بلکه این است که اقتصادهای خلیج فارس پس از این شوک، نسبت به مسیر پیش از بحران، چقدر کوچک‌تر شدند؟

پاسخ کوتاه، بر اساس داده‌های بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول این است که در بدترین سناریوهای شوک جنگی، برخی اقتصادهای خلیج فارس تا بیش از ۱۰ درصد از مسیر رشد پیش‌بینی‌شده خود عقب افتادند و در مواردی مانند قطر و کویت، افت از جنس تعدیل نبود، بلکه به انقباض واقعی اقتصاد انجامید.

در سطح کل منطقه نیز، برآوردهای بانک جهانی نشان می‌دهد که رشد مورد انتظار GCC از مسیر عادی حدود ۴.۵ درصد در سال ۲۰۲۶، به حدود ۱.۳ درصد در برآوردها تعدیل‌شده و در سناریوی بدبینانه‌تر (آکسفورد اکونومیکس) حتی به منفی ۰.۲ درصد سقوط کرده است.

بانک جهانی پیش از شوک، برای GCC در ۲۰۲۶ رشد ۴.۵ درصد را متصور بود. اما پس از درگیری، این چشم‌انداز به ۱.۳ درصد کاهش یافت.



یادداشت روز

مهار تورم با بازسازی نظام بانکی

■ امید قاسمی‌پور
پژوهشگر اقتصادی و بانکی

نظام بانکی ایران در مقطع کنونی با وضعیتی مواجه است که می‌توان آن را «سه‌گانه ناترازی» نامید. این ساختار پیچیده، حاصل برهم‌کنش سه شکاف هم‌افزاست: ناترازی ترازنامه‌ای، ناترازی ارزی و ناترازی نرخ سود. این سه مؤلفه به گونه‌ای در هم تنیده شده‌اند که کارکرد واسطه‌گری مالی را به شدت تضعیف کرده‌اند.

ناترازی دارایی-بدهی، نخستین مؤلفه این سه‌گانه است. انباشت مطالبات غیرجاری، دارایی‌های منجمد و سرمایه گذاری‌های غیرمولد، سبب شده است بخش قابل توجهی از دارایی‌های بانک‌ها فاقد نقدشوندگی و بازدهی مؤثر باشد. بانک‌ها برای ایفای تعهدات جاری خود ناگزیر به اتکا بر منابع ناپایدار مانند اضافه برداشت از بانک مرکزی یا رقابت ناسالم برای جذب سپرده می‌شوند. این چرخه معیوب، کیفیت ترازنامه را تضعیف کرده و ظرفیت اعطای تسهیلات سالم را کاهش می‌دهد. در کنار این، ناترازی ارزی نیز مزید بر علت شده است. با توجه به اینکه دارایی‌های بانک‌ها عمدتاً ریالی و بدهی‌های آنها تا حد قابل توجهی ارزی است، هر شوک ارزی مستقیماً به ترازنامه منتقل می‌شود و نوسانات ارزی را به کانونی برای تشدید بحران تبدیل می‌کند. سومین مؤلفه، ناترازی نرخ سود است که در قالب نرخ بهره حقیقی منفی بروز می‌کند.

ادامه مطلب را در لینک بخوانید

پیش‌فروش خودروهای وارداتی ممنوع و جرم است

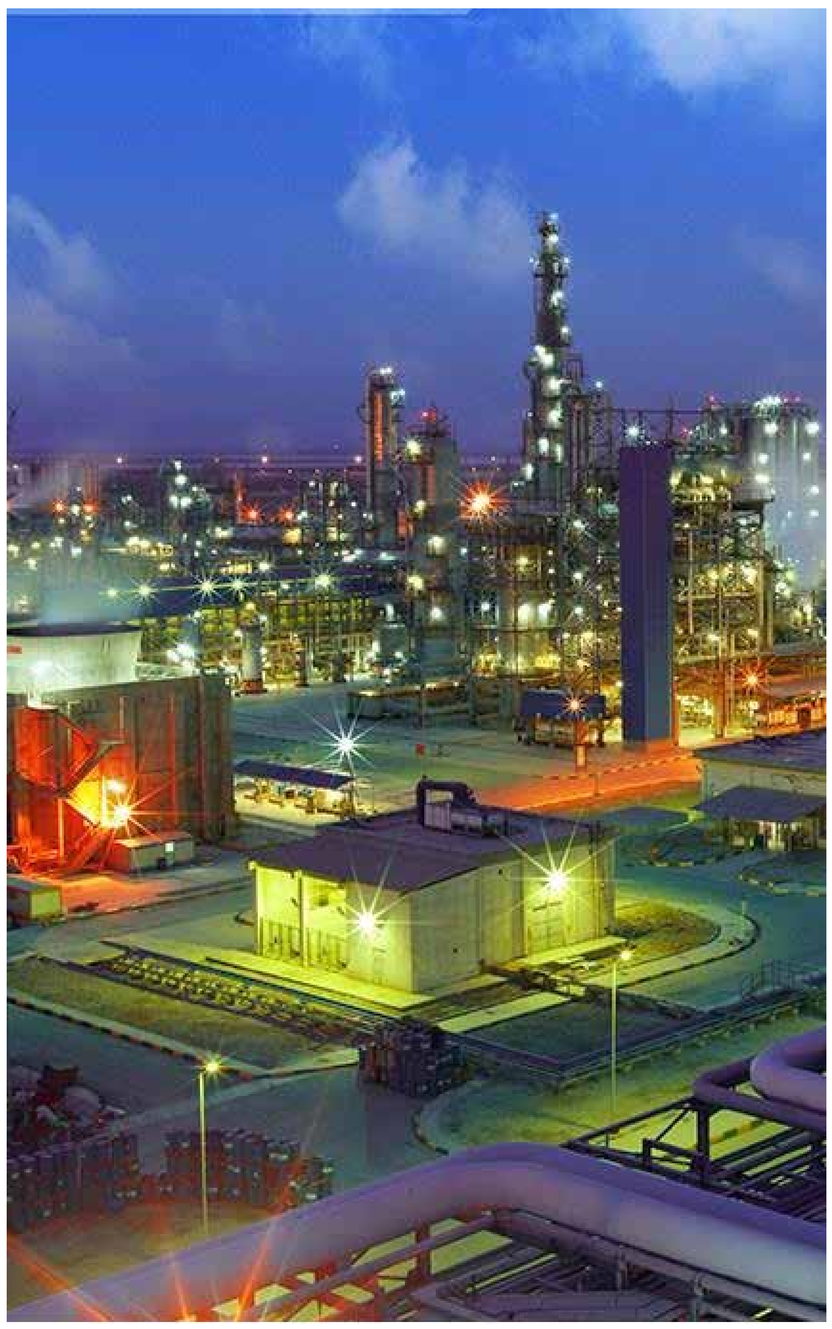
آزمایش اولیه اتصال کارت سوخت به کارت‌های بانکی اجرایی می‌شود

بستن حساب‌های بانکی مازاد به صورت آنلاین امکان‌پذیر می‌شود

صادرات محصولات پتروشیمی به صورت مشروط مجاز شد

تازه‌های اقتصاد
شنبه ۲۳ خرداد ۱۴۰۵ شماره ۵۴

پتروشیمی ایران غول ۱۰۰ میلیون تنی با بازارهای محدود



صنعت پتروشیمی ایران اکنون با ظرفیت اسمی بیش از ۱۰۰ میلیون تن در سال، یکی از بزرگ‌ترین صنایع تولیدی کشور محسوب می‌شود.

این صنعت سال‌هاست یکی از مهم‌ترین پایه‌های ارزآوری اقتصاد ایران محسوب می‌شود؛ صنعتی که پس از نفت بیشترین حجم سرمایه‌گذاری را به خود اختصاص داده و نقشی فراتر از صادرات مستقیم ایفا می‌کند. از تأمین مواد اولیه صنایع پایین‌دستی گرفته تا ایجاد زنجیره‌ای گسترده از اشتغال و تولید، پتروشیمی به یکی از ستون‌های اصلی اقتصاد کشور تبدیل شده است.

برآوردها نشان می‌دهد ارزش دارایی‌های صنعت پتروشیمی ایران اکنون از مرز ۱۰۰ میلیارد دلار عبور کرده است؛ رقمی که این صنعت را پس از نفت در جایگاه بزرگ‌ترین حوزه سرمایه‌گذاری کشور قرار می‌دهد. کارشناسان سهم مستقیم و غیرمستقیم پتروشیمی در ارزآوری و جلوگیری از خروج ارز را بیش از ۲۰ میلیارد دلار عنوان می‌کنند.

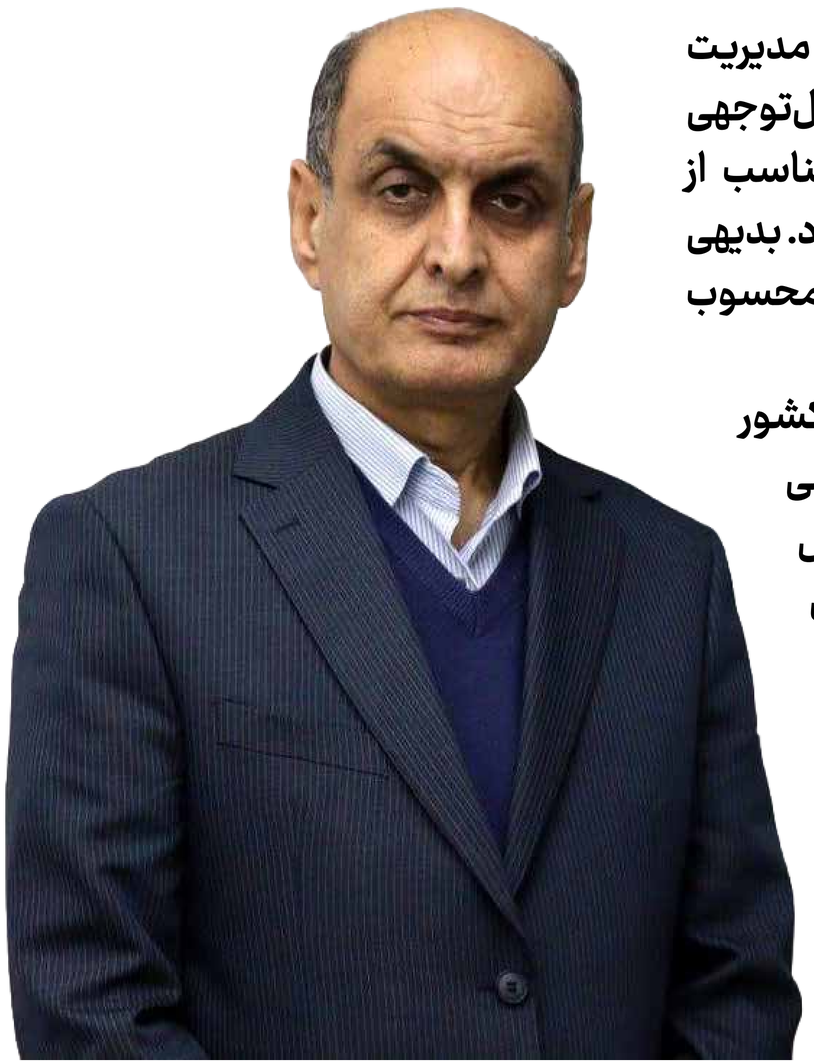
این ارقام نشان می‌دهد پتروشیمی تنها یک صنعت صادراتی نیست، بلکه یکی از مهم‌ترین منابع تأمین ارز کشور به شمار می‌رود. نسبت ارزآوری سالانه به ارزش دارایی‌های این صنعت نیز بیانگر آن است که پتروشیمی همچنان یکی از سودآورترین بخش‌های اقتصاد ایران محسوب می‌شود؛ هرچند کارشناسان معتقدند ظرفیت‌های موجود هنوز به طور کامل به ارزش اقتصادی تبدیل نشده‌اند.

اگرچه اشتغال مستقیم در مجتمع‌های پتروشیمی در مقایسه با صنایع کاربر چندان گسترده نیست، اما اثرگذاری این صنعت در زنجیره تولید بسیار فراتر از آمار اشتغال مستقیم است. بسیاری از صنایع از جمله خودروسازی، نساجی، پلاستیک، پلیمر و لوازم خانگی بخش عمده مواد اولیه خود را از صنعت پتروشیمی تأمین می‌کنند و در برخی موارد این وابستگی به حدود ۷۰ درصد می‌رسد.

این وابستگی گسترده باعث شده هرگونه اختلال در تولید یا صادرات محصولات پتروشیمی، آثار خود را در بخش بزرگی از صنایع کشور نشان دهد و به همین دلیل این صنعت به یکی از حلقه‌های کلیدی تولید ملی تبدیل شده است.

نسخه‌ای برای ایرانِ پساجنگ

بازسازی کافی نیست اقتصاد به نوسازی نیاز دارد



هادی حق‌شناس کارشناس اقتصادی با اشاره به الزامات اقتصاد ایران در دوره پساجنگ اظهار کرد: نخستین اولویت در این دوره، بازسازی است، اما این بازسازی نباید صرفاً به معنای بازگرداندن شرایط موجود باشد. آنچه اقتصاد ایران به آن نیاز دارد، نوسازی در کنار بازسازی است؛ به این معنا که ارتقای فناوری، به‌روزرسانی زیرساخت‌ها و حفظ و توسعه فرآیندهای تولیدی در بخش های مختلف اقتصادی در دستور کار قرار گیرد.

وی افزود: همان‌گونه که در حوزه حمل‌ونقل نیازمند استفاده از هواپیماها و کشتی‌های نسل جدید هستیم، در بخش تولید نیز باید به سمت فناوری‌های نوین حرکت کنیم. در کنار این موضوع، کاهش سهم دولت در اقتصاد و افزایش نقش مردم و بخش خصوصی از اهمیت بالایی برخوردار است.

حق‌شناس تصریح کرد: اقتصاد پساجنگ ایران نیازمند تغییر رویکرد و اصلاح راهبردهای اقتصادی است؛ در غیر این صورت، اگر صرفاً به بازسازی با الگوهای گذشته اکتفا شود، بسیاری از مشکلات ساختاری همچنان پابرجا خواهند ماند.

این کارشناس اقتصادی درباره کنترل تورم و نقدینگی در شرایط پساجنگ گفت: با بازگشت تجارت خارجی و فعالیت‌های اقتصادی به روند عادی، امکان مدیریت بهتر متغیرهای پولی فراهم می‌شود. ایران از ظرفیت‌های قابل‌توجهی در حوزه صادرات برخوردار است و در صورت بهره‌گیری مناسب از درآمدهای صادراتی، کنترل نقدینگی نیز امکان‌پذیر خواهد بود. بدیهی است مهار رشد نقدینگی، نخستین گام برای کاهش نرخ تورم محسوب می‌شود.

وی در تشریح مهم‌ترین اولویت سیاست‌گذاری اقتصادی کشور تصریح کرد: ریشه اصلی بسیاری از مشکلات پولی و تورمی کشور به نحوه تدوین بودجه بازمی‌گردد. بودجه باید بر اساس منابع واقعی تنظیم شود و مصارف نیز متناسب با درآمدهای قابل تحقق تعریف شوند. در شرایطی که ابتدا هزینه‌ها تعیین و سپس برای تأمین منابع آنها به استقراض یا منابع غیرواقعی متوسل شویم، رشد نقدینگی و تورم اجتناب ناپذیر خواهد بود. اصلاح این رویکرد می‌تواند مهم‌ترین کمک به کنترل نقدینگی و کاهش تورم باشد.

تازه‌های اقتصاد
شنبه ۲۳ خرداد ۱۴۰۵ شماره ۵۴

گام‌های مهم بانک مرکزی در مسیر اصلاح ساختار بانکی

محمدجعفر ایرانی، عضو هیأت‌مدیره بانک توسعه تعاون با اشاره به اقدامات اخیر بانک مرکزی در حوزه اصلاح نظام بانکی تاکید کرد: اقدامات اصلاحی در هر بنگاه و ساختار اقتصادی امری ضروری، اجتناب‌ناپذیر و نظام‌مند است. بانک مرکزی طی ماه‌های اخیر با اعمال محدودیت بر برخی خدمات بانکی و کنترل بانک‌های دارای اضافه‌برداشت، گام‌های مهمی در مسیر اصلاح ساختار بانکی برداشته است.

وی افزود: هرچند این اقدامات با تأخیر انجام شد، اما اصل ورود بانک مرکزی به این حوزه اقدامی مثبت و قابل دفاع است.



بانک‌ها باید در یک چارچوب منظم، قاعده‌مند و مبتنی بر انضباط مالی فعالیت کنند و صرف ایجاد محدودیت کافی نیست، بلکه لازم است مسیر و فرآیندهای فعالیت آنها نیز به درستی تبیین شود.

ایرانی با اشاره به آثار مخرب ناترازی برخی بانک‌ها اظهار کرد: در سال‌های گذشته گزارش‌هایی وجود داشت که نشان می‌داد برخی بانک‌ها به دلیل ناترازی شدید در ترازنامه‌ها و نسبت‌های مالی خود، سهم قابل توجهی در ایجاد تورم کشور داشته‌اند. وظیفه ذاتی بانک مرکزی نیز دقیقاً همین است که بانک‌ها را نظام‌مند، قاعده‌مند و منضبط کند؛ البته تحقق این هدف مستلزم برخورداری بانک مرکزی از استقلال مدیریتی و حاکمیتی کافی است.

عضو هیأت‌مدیره بانک توسعه تعاون عملکرد بانک مرکزی در اصلاح رویه‌های بانک‌های ناتراز را مثبت ارزیابی کرد و گفت: بانک مرکزی در سال‌های اخیر تلاش کرده نقدینگی سرگردان را مدیریت کند، ناترازی‌های موجود را کاهش دهد و منابع مورد نیاز دولت در شرایط بحرانی و تحریمی را تأمین کند که این روند در مجموع قابل ستایش است.

وی یادآور شد: پیش از این نیز بانک مرکزی در ساماندهی تعاونی‌های اعتباری غیرمجاز که بدون نظارت رشد کرده بودند، اقدامات مؤثری انجام داد و اکنون نیز در مسیر اصلاح ساختارهای بانکی گام‌های مناسبی برداشته است.

ایرانی یکی از مهم‌ترین چالش‌های نظام بانکی را ناترازی‌های موجود در اقتصاد کشور دانست و گفت: نظام بانکی به دلیل نقش محوری خود در تأمین مالی، انتقال وجوه و گردش نقدینگی، بیشترین تأثیر را از مشکلات ساختاری اقتصاد می‌پذیرد.

چک الکترونیک به‌زودی فراگیر می‌شود

معاون نظام پرداخت و فناوری‌های نوین بانک مرکزی در نشست با معاونان فناوری بانک‌ها با اشاره به برنامه بانک مرکزی برای توسعه چک الکترونیک گفت: اجرای کامل این خدمت در مهلت‌های تعیین‌شده از اولویت‌های جدی بانک مرکزی است و توسعه چک الکترونیک علاوه بر پاسخگویی به مطالبات مردم و حاکمیت، موجب افزایش شفافیت و ارتقای کارایی در نظام مالی کشور خواهد شد.

مسعود پشم‌چی افزود: برای افزایش ضریب نفوذ چک دیجیتال، مشوق‌ها و سازوکارهای مختلفی در نظر گرفته شده است و انتظار می‌رود بانک‌ها با رعایت زمان‌بندی‌های ابلاغی، زمینه توسعه هرچه سریع‌تر این خدمت را فراهم کنند.

پشم‌چی با تاکید بر لزوم اصلاح ساختار نظام پرداخت در کشور گفت: جابه‌جایی مبالغ پایین در شبکه بانکی به صورت آنلاین است به صورتی که ۹۰ درصد تراکنش‌های انجام شده زیر ۵۰۰ هزار تومان و ۹۵ درصد تراکنش ها، زیر یک میلیون تومان است و این موضوع، بار زیادی به شبکه تحمیل می‌کند؛ از این رو اصلاح و متنوع سازی نظام پرداخت و توسعه ابزارهای جایگزین از جمله کیف پول، ریال دیجیتال، بانکداری باز و استفاده از سیستم کهربا که براساس استاندارد EMV طراحی شده و در آن، تلفن همراه، جایگزین کارت بانکی می‌شود در دستور کار بانک مرکزی قرار دارد.

وی بر ضرورت افزایش تاب‌آوری شبکه بانکی تأکید کرد و گفت: بانک مرکزی از ایده‌ها و طرح‌های مشترک بانک‌ها استقبال می‌کند و آمادگی دارد برای اخذ مجوزها و رفع موانع موجود، حمایت‌های لازم را به عمل آورد.



چگونه هوش مصنوعی کارخانه تولید ابرثروتمندان می‌شود؟

عصر تریلیونرها



با صعود ایلان ماسک به قله تریلیون دلاری، سنت دیرینه میلیونرسازی در جهان سرمایه‌داری وارد عصر جدیدی از تمرکز بی‌سابقه ثروت و تنش‌های اجتماعی شده است. ثروتمند شدن در واقع مسیری است که از «جان جیکوب آستور»، نخستین میلیونر ثبت‌شده در تاریخ آمریکا آغاز می‌شود، با عصر صنعتی‌شدن و ظهور امپراتوری مالی «جان دی. راکفلر»، نخستین میلیاردر جهان، ادامه می‌یابد و در نهایت به دوره‌ی معاصر و شخصیت‌هایی مانند «ایلان ماسک» می‌رسد که از او به‌عنوان نخستین تریلیونر نام برده می‌شود.

این سیر تحول نه فقط روایت افزایش اعداد و دارایی‌ها، بلکه واکاوی عمیق سازوکارهای انباشت ثروت در دوره‌های مختلف تاریخ اقتصادی است؛ از تجارت‌های سنتی و انحصارهای نفتی گرفته تا اقتصاد دیجیتال و امروز، که مرزهای آن با پیشرفت‌های هوش مصنوعی شکل تازه‌ای یافته است.

شبیخون نفت، دلار و خروج سرمایه به ارزهای آسیا

این روزها بازارهای آسیا با نسخه‌ای پیچیده‌تر و جهانی‌تر از یک بحران کلاسیک ارزی مواجه است. این بار سقوط ارزها فقط محصول ضعف در بازارهای داخلی نیست، بلکه نتیجه فشاری است که از بیرون مرزها وارد می‌شود؛ از اتاق‌های معامله در سنگاپور، لندن و نیویورک تا قراردادهایی که روی کاغذ بسته می شوند، اما بر اقتصاد واقعی کشورها اثر می‌گذارند.

گزارش بلومبرگ نشان می‌دهد که بانک‌های مرکزی آسیا دیگر فقط با تقاضای داخلی دلار نمی‌جنگند، بلکه در برابر موجی از سفته‌بازی فراساحلی صف‌آرایی کرده‌اند.فشار بر ارزهای آسیایی در ماه‌های گذشته از سه مسیر هم‌زمان تغذیه شده است: نفت گران، خروج سرمایه و دلار قدرتمند. در همین رابطه رویترز هشدار داد که جهش بهای نفت، اقتصادهای واردکننده انرژی در آسیا را به‌طور مستقیم در معرض تضعیف ارزی قرار داده است. برای این کشورها، هر دلار افزایش در قیمت نفت، به معنای فشار بیشتر بر تراز پرداخت‌ها، تورم بالاتر و تقاضای بیشتر برای ارز آمریکاست.

این فقط یک فشار تجاری نبود. در کنار نفت، سرمایه‌گذاران خارجی نیز در حال خروج از بازارهای منطقه بودند. کره جنوبی در سال ۲۰۲۶ با خروج بیش از ۷۸ میلیارد دلار سرمایه خالص خارجی از بازار سهام خود مواجه شد؛ رقمی که به تنهایی نشان می‌دهد چرا وون تا پایین‌ترین سطح خود از زمان بحران مالی جهانی سقوط کرد.



ویدیو



